

رژیم ایران:

همسایه خوب ولی «مغرور» آمریکا

در حالی که کل اذهان عمومی جهان بر مسئله ی «حق» رژیم ایران برای تکمیل چرخه سوخت هسته‌ای، به خصوص غنی سازی اورانیوم، متمرکز شده است، و بر این که آیا ایران دومین کشور عضو «محور اهریمنی» خواهد بود که مورد حمله آمریکا قرار گیرد، بورژوازی ایران به طور بی سر و صدا در حال کوشش برای «تکمیل چرخه» روابط خود با سرمایه‌داران آمریکا می‌باشد. در پنجاه سال اخیر رابطه با امپریالیزم آمریکا برای رژیم‌های حاکم در ایران رابطه ی تعیین کننده بین المللی بوده است. با کاهش قدرت امپریالیزم بریتانیا پس از دومین جنگ جهانی امپریالیستی، آمریکا نیروی اصلی امپریالیستی در جهان شد و بر مستعمرات و مناطق نفوذی امپراطوری بریتانیا (و همچنین بر اکثر دیگر مستعمرات دیگر قدرت‌ها، مانند مستعمرات فرانسه در هندوچین) غلبه کرد. این رابطه اثرات خود را بر تداوم و توسعه حکومت شاه، از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا «انقلاب سفید» و تحریکات آخوندها در ۲۴ ۱۳۴۲، و حتی بر مشی انقلاب ۱۳۵۷، گذاشت.

رژیم «جمهوری اسلامی ایران»، بخوانید دیکتاتوری ی اسلامی- نظامی سرمایه‌داران ایران، تنها شکلی از دیکتاتوری بورژوایی بود که می‌توانست حاکمیت سرمایه را پس از اضمحلال فرم سلطنتی-نظامی حکومت در ایران

نجات دهد و به آن تداوم بخشد. سران آن از همان اول روابط پشت پرده خود را با امپریالیزم آمریکا - به خصوص با حزب جمهوری خواهان و راستترین جناح‌های بورژوازی آمریکا - برقرار کرده بودند. با وجود تمام شعارها و اظهاراتی که هر دو طرف برای اذهان عمومی عنوان می‌کردند، از زمان قبل از بر سر کار آمدن «رونالد ریگان» با هم همکاری‌های مهمی داشته‌اند؛ و پس از فروپاشی اتحاد شوروی، و به خصوص پس از حملات آمریکا به افغانستان و عراق، رژیم به اصطلاح «ضد امپریالیست» تصمیم گرفت که روابطش را با همسایه جدید در شرق و غرب بهبود بخشد. با مصاحبه رفسنجانی در «راهبرد» (پس از اشغال افغانستان) این مسیر به طور علنی عنوان شد و کمابیش ادامه دارد. قصد هر دو طرف بازگشت به روابطی همچون «دوران طلایی» قبل از سقوط شاه، است - البته رژیم ایران می‌خواهد که این بدون "تجاوز و زورگویی" و احترام مقابل عملی شود.

به همین دلیل این باعث تعجب نیست که یکی از مقامات بلند پایه رژیم، حسن روحانی، اعلام می‌کند که ترجیح نمی‌دهد که جان کری و دموکرات‌ها در انتخابات هفته دیگر پیروز شوند! دبیر «شورای عالی امنیت ملی»، که مسئول اصلی مذاکرات هسته‌ای رژیم است، گفت که "ما ترسی نداریم که جمهوری خواهان برنده شوند." وی افزود: "ما از دموکرات‌ها خیری ندیده‌ایم. نباید فراموش کنیم که اکثر تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی در دوره کلینتون بر ایران تحمیل شد." و با وجود انتقاد از سیاست‌های جورج بوش گفت: "همچنین نباید فراموش کنیم که در دوره بوش، علیرغم شعارهای بی پایه و تند علیه ایران، او در عمل دست به اقدام خطرناکی علیه ایران نزده است." وی افزود: "جمهوری خواهان دست کم در منطقه ما به این نتیجه رسیده‌اند

که تجاوز و زورگویی نه تنها بی نتیجه مانده، بلکه برعکس، منافع آنها را تهدید می‌کند."

البته مسئله خودداری آمریکا از "تجاوز و زورگویی" صرفاً واژه‌هایی برای بازگویی و آرایش منافع مادی بورژوازی ایران، به خصوص امتیازاتی که خواهان حفظشان بوده، است. و رژیم همچنین نیاز به فرمولی دارد که با آن بهبود روابط را بتواند به خورد پایه‌های اجتماعی (هر چه کاهش یافته خود) دهد. امتیازات جدیدی که بورژوازی دنبالش بوده، مانند عضویت در «سازمان تجارت جهانی»، به طور مرتب از طرف آمریکا وتو شده است. در مه ۲۰۰۳ رژیم ایران از ایالات متحده تقاضا کرد که مذاکراتی در مورد تسلیحات هسته‌ای و تروریزم داشته باشد. ولی جناح «بازها»ی حکومت جورج بوش آن را وتو کرد (تایمز مالی، ۱۷ مارس ۲۰۰۴). این صرفاً نشانگر آن است که امپریالیزم آمریکا هنوز خواهان امتیازات بیشتری در مذاکرات پشت صحنه می‌باشد.

ولی این کوشش‌های رژیم بی‌حاصل نیز نمانده‌اند و دست آوردهای غیر مستقیمی داشته‌اند. در سال ۲۰۰۰، بانک جهانی پس از وقفه‌ای هفت ساله، شروع به قرض دادن به رژیم ایران کرد و در حال حاضر در کل ۲۸۴۹ میلیون دلار به رژیم وام داده است (سایت بانک جهانی، ۲۵ اکتبر ۲۰۰۴). بنا بر بانک جهانی فعالیت‌های آن کمک کرده تا از "تلاش‌های ایران برای ایجاد اصلاحات پشتیبانی شود"! در ایران در حال حاضر انواع متعددی از نهادهای سازمان ملل به رژیم کمک می‌کنند تا بتواند "تعهدات بین‌المللی خود را برآورده کند"، منجمله "مبارزه بر علیه تروریزم"، بازگرداندن پناهندگان افغانی و همانند آن. هدف اصلی، ولی، تحکیم رژیم و خاموش کردن جنبش

توده‌ای، به خصوص جنبش کارگری، می‌باشد. در این مورد فعالیت‌های «سازمان بین المللی کار» نیز کمک‌های بسیاری انجام داده است.

منجلا ب «قضای» دادگاه فعالین کارگری تظاهرات اول ماه مه سقز، بحرانی که ساخته و پرداخته خود رژیم بوده است، باری دیگر نشانگر بارز رژیم است که راه پسی ندارد. و برای عبور به پیش نیاز به سرمایه‌گذاری کلان و کمک به آموختن روش‌های «مدرن» و «پیشرفته» از اختناق را دارد؛ تا چند سالی به حیات خونین خود ادامه دهد. پس از پایان تاریخ مصرف «اصلاح طلبی» و بی اعتباری آن در نزد «امت»، این رژیم راه برون رفتی جز بهبود روابط با «شیطان بزرگ»، فروش سهام «بیت المال» به بورژوازی کشورهای دیگر - منجمله آمریکا - و روش‌های جدیدی برای مهار کردن فشارهای جنبش کارگری و توده‌های تحت استثمار و ستم، را در اختیار ندارد.

و با وجود جنگ زرگری بین حکومت‌های ایران و آمریکا، رژیم سرمایه داران ایران کمک‌های سیستماتیک خود را در حمله، اشغال و کوشش‌های «برپایی دموکراسی» در افغانستان، رسانده است. و سپس همین کار را - با اشتیاق بیشتر - در مورد عراق انجام داده است. در همایش اقتصادی میان دیکتاتوری اسلامی-نظامی سرمایه‌داران ایران و «حکومت» گردآورنده‌ی جاسوسان و نوکران امپریالیزم آمریکا در عراق، آقای خرازی پرداخت ۱۰ میلیون دلار کمک بلاعوض و ۳۰۰ میلیون دلار اعتبار به صندوق بازسازی عراق را اعلام کرد. و اکنون، پس از همکاری‌های اقتصادی با امپریالیزم آمریکا، البته اکثراً تحت پوشش «سازمان ملل متحد»، که در اصل کمیته هماهنگی کشورهای امپریالیستی می‌باشد، رژیم سرمایه داران ایران آمادگی خود را، البته با ملاحظاتی (!)، برای شرکت در اجلاس «انتخابات» (!) عراق،

که در شهر شرم الشيخ مصر در ۴-۲ آذر برقرار خواهد شد، اعلام کرده است. رژیم‌های ترکیه، سوریه، کویت، اردن، و مصر، «گروه ۸» (هفت قدرت اصلی امپریالیستی و روسیه)، همراه با چین، سازمان ملل متحد، اتحادیه عرب، سازمان کنفرانس اسلامی و اتحادیه اروپا در آن همچنین شرکت خواهند داشت! این عده، که در موارد متفاوت با ترکیب‌های مختلفی ظاهر می‌شوند، و نام خود را «جامعه جهانی» می‌گذارند، همانطور که مسایل دیگر مانند فلسطین (منجمله در همان شرم الشيخ!)، افغانستان و غیره را «حل» کرده‌اند، همانطور هم «راه حلی» برای سریعترین نحوه‌ی چپاول منابع توده‌های عراق را اتخاذ خواهند کرد. مسئله اصلی همیشه تعیین سهم امپریالیست‌ها و سرمایه داران کوچکتر دیگر کشورها، به خصوص در منطقه، از آنچه که غارت می‌شود، است. و زمانی که هر کدام تکه گوشت خود را از بدن خونین عراق کنده است به دنبال عراقی دیگر روانه خواهند شد.

بر این اساس مسلم است که رژیم سرمایه داران ایران خواهان حفظ «غرور ملی»، به خصوص تا بعد از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، می‌باشد. یک سال پیش، پس از توافقی که رژیم ایران با وزیران امور خارجه بریتانیا، فرانسه و آلمان به آن رسید، کمال خرازی وزیر امور خارجه گفت که این توافق به عنوان یک نقطه تعقل در روابط ایران و اروپا محسوب می‌شود و رژیم امیدوار است که آمریکا با این موضوع با "عقلانیت" برخورد کند، زیرا این توافقنامه می‌تواند صفحه جدیدی از روابط بین‌المللی را باز کند. در اصل صفحه جدیدی باز شده است - ولی فعلاً تمام جزئیات آن تدوین و علنی نشده است! با ادامه، توسعه و آشکار شدن همکاری‌های هر چه نزدیکتر این باندها و دزد‌های بین‌المللی ماهیت آنان هر چه بیشتر و بهتر به توده‌های کارگر و

تحت استثمار و ستم عراق، ایران و آمریکا، فاش خواهد شد. و راه را برای به میدان به آمدن تنها نیرویی که قادر به شکست نهایی این ائتلاف دزدان فرا ملی و بدون مرز، یعنی جنبش بدون مرز و فراملی کارگران رزمنده، را هموار خواهد کرد.

مراد شیرین

۵ آبان ۱۳۸۳

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN , London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴